

شرحی از یک شهادت

وحید رافتی

جناب محمد طاهر اشراق یزدی شرحی درباره کیفیت شهادت جناب آقا محمد بلور فروش به رشته تحریر در آورده‌اند که متن آن ذیلاً به نظر خوانندگان گرامی خواهد رسید. اما قبل از درج شرح مذکور ارائه مواد و توضیح چند مطلب مقدماتی ذیل مفید به نظر می‌آید:

- ۱- ذکری از احوال و اشعار جناب اشراق
- ۲- یکی از الواح نازله خطاب به ایشان
- ۳- اشاره‌ای به اعضای عائله اشراقی
- ۴- نسخه‌ای خطی از تاریخ جناب بیضاء
- ۵- جناب اشراق و سرودن ماده تاریخ
- ۶- زیارت نامه جناب آقا محمد بلور فروش
- ۷- توصیف بیشتر مشخصات تاریخ خطی جناب بیضاء
- ۸- شرح شهادت جناب بلور فروش. توضیحات مربوط به این شرح تحت عنوان "یادداشت‌ها" در پایان مقاله عرضه شده است.

جناب محمد طاهر قندهاری یزدی متخلص به اشراق از شعرا و احبای سرشناس یزد بوده و شرحی از احوال ایشان به وسیله جناب ذکائی بیضائی در کتاب تذکره شعرای قرن اول بهائی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۱ بدیع، ج ۱، ص ۶۹-۸۳) به رشته تحریر در آمده و مقداری از اشعار ایشان نیز در کتاب مزبور به طبع رسیده است. چون شرح احوال جناب اشراق مطبوع و منتشر است نیازی به تحریر وقایع حیات آن نفس بزرگوار در این مقام نیست، فقط کافی است گفته شود که جناب محمد طاهر اشراق مفتخر به دریافت چندین لوح منیع مبارک از قلم جمال قدم و حضرت عبدالبهاء گشته و یکی از الواح ایشان در کتاب تذکره شعرای قرن اول بهائی (مأخذ

فوق، ص ۷۵-۷۶) به طبع رسیده است. تیمناً در ابتدای این مقال نیز یکی از الواح جمال قدم را که خطاب به جناب اشراق عزّ نزول یافته، نقل می‌نماید و سپس به شرح بقیه مطالب می‌پردازد. این لوح در ضمن لوح مفصل نازله از قلم حضرت بهاء‌الله خطاب به جناب حاجی میرزا ابوالحسن امین اردکانی که به تاریخ ۲ جمادی الاول سنه ۱۳۰۰ هـ ق مورخ می‌باشد، عزّ صدور یافته و مطلع لوح مبارک که از لسان میرزا آقا جان خادم‌الله نازل شده چنین است:

«لله الحمد حمداً يمطر به السحاب ويجدالمقربون عرف قميص ربنا الوهاب...». در این لوح که در مجموعه آثار قلم اعلیٰ (طهران: لجنة ملّی محفظة آثار، ۱۳۲ ب، شماره ۱۵، ص ۶۷-۱۱۰) به طبع رسیده چنین مذکور است:

«... و همچنین ذکر جناب حاجی محمد طاهر [قند] علیه بهاء‌الله را فرمودند عرض فانی آن که هر نفسی الیوم اقلّ من آن به وجه مقصود عالمیان توجّه نمود ذکرش از لسان عظمت ظاهر. فضل به مقام و مرتبه‌ای است که عالم از احصائش عاجز و از ذکرش قاصر. صد هزار طوبی از برای نفسی که به ذکر الهی در یومش فائز شد. این است آن کنزی که در ظلّ عرش مکنون و محفوظ است از برای صاحبش اهل ارض غافلند قسم به محبوب عالم اگر شاعر شوند از برای یک حرف که از سماء مشیت مقصود نازل شود جان نثار نمایند. هذا حقّ لاریب فیه این فقره هم وقتی از اوقات تلقاء وجه عرض شد و به اصغاء فائز گشت. هذا ما نزل له من ملکوت ربنا الرحمن، قوله تبارک و تعالیٰ:

بسمی السّميع المجیب

یا محمد قبل طاهر یذکرک فی هذا اللیل من طاف حوله الملاء الاعلیٰ و اهل الفردوس و الملائکة المقربون ان اشکرالله ثم اذکره فی اللیالی و الایام انه یسمع و یری و هو الحقّ علام الغیوب نوصیک و الذین آمنوا بالامانة و الوفاء و بما یرتفع به کلمة الله المهیمن القیوم. اذا فزت بآیاتی و وجدت عرف بیانی قل:

سبحانک یا ایها المظلوم المسجون اشهد انک اخترت البلاء لنجاة من فی ملکوت الانشاء و سکنت فی السّجن لخلاص من علی الارض لا اله الا انت المقتدر علی ما تشاء و فی قبضتک زمام الاسماء انک انت العلیم الخبیر. اسئلک یا سرّالوجود و یا من فی قبضتک زمام الغیب و الشّهود بان تؤیّدنی علی ما یلیق لامرک البدیع و ینبغی لیومک العزیز ثم اکتب لی بجودک و الطافک ما یحفظنی عن التّعیق الذی اخبرت به و بطغیانہ. ای ربّ انا العاجز البائس القائم لدى

باب رحمتک استلک ان لا تحرمنی عمّا عندک لا اله الا انت المقتدر المتعالی العزیز العلیم.
الحمد لک یا مقصود العارفین و محبوب من فی السموات و الارضین. انتهی...».

نکته دیگر آن که جناب محمد طاهر اشراق پدر جنابان محمد، محمود و احمد اشراقی بوده و جناب محمد اشراقی که از خدام صمیمی و ثابت قدم امر الهی بوده‌اند به سال ۱۹۸۳ م در حین مسجونیت در زندان طهران به ملکوت ابهی شتافته و شرحی از احوال و خدمات مشعشع ایشان در کتاب پروازها و یادگارها (دالاس: شرکت سوپریم، ۱۳۷۱ هـ ش، ص ۱۵۹، اثر خانم مهرماه گلستانه) به رشته تحریر در آمده است.

حال آنچه در ارتباط با جناب اشراق در ادامه این مقاله مد نظر است آن که نسخه‌ای خطی از تاریخ شهادت شهداء و وقایع ضوضاء یزد که در سال ۱۳۲۱ هـ ق (۱۹۰۳ م) اتفاق افتاده و به قلم جناب آقا سید ابوالقاسم بیضاء تحریر شده، در اختیار جناب اشراق بوده و آن جناب شرحی به خط خود در صفحات خالی انتهای آن مرقوم فرموده‌اند که در ابتدا مشتمل بر ذکر خیر جناب بیضاء و سپس شرحی تاریخی درباره کیفیت شهادت جناب آقا محمد بلور فروش است که به نثری فصیح و مؤثر به رشته تحریر در آمده و ماده تاریخ شهادت ایشان و یکی دو ماده تاریخ دیگر به انتهای مطالب افزوده شده است. قبل از ادامه مطلب و نقل شرحی که جناب محمد طاهر اشراق درباره جزئیات شهادت جناب بلور فروش مرقوم داشته‌اند لازم به تذکر است که سرودن ماده تاریخ یکی از فنون مورد علاقه جناب اشراق بوده و جناب ذکائی بیضائی در شرح احوالی که درباره آن جناب مرقوم فرموده‌اند به این نکته تصریح نموده‌اند که:

«... جناب اشراق را در سرودن ماده تاریخ که یکی از انواع مشکل شعر است مهارتی به سزا بوده و ماده تاریخ‌های متعدد سروده است...». (مأخذ فوق، ص ۸۲).

قابل توجه است که شرح شهادت جناب آقا محمد بلور فروش به قلم جناب حاجی محمد طاهر المیری نیز در کتاب تاریخ شهداء یزد (قاهره: فرج الله زکی الکردی، ۱۳۴۷ هـ ق، ص ۶۰۷-۶۱۲) به رشته تحریر در آمده است. به اعزاز جناب آقا محمد بلور فروش زیارت نامه‌ای به قلم حضرت عبدالبهاء عزّ صدور یافته که زیب این مقام می‌گردد و بعد از معرفی اجمالی تاریخ خطی جناب بیضاء شرح شهادت جناب بلور فروش را مندرج می‌سازد:

«یزد زیارت آقا محمد بلور فروش شهید

النَّفحة القدسیة و النَّفس الرَّحمانی تحفّ ضریحک المنورّ و جسدک المطهرّ و تعبق انفاس طیّها فی تراب المنورّ و جسدک المطهرّ اشهد أنّک فدیت بروحک و جسمک فی سبیل الله و سرعت الی مشهد الفداء و تحمّلت سهام الاعداء و سنان البغضاء حبّاً لله و ماوهنت و ما فترت فی اعلاء کلمة الله روحی لک الفداء و نفسی لک الفداء اسئل الله ان یعطرّ مشامی بنفحات قدس تعبق من ضریحک التورانی و جسدک الروحانی و یصلّی علیک الملاً الأعلى و اهل ملکوت الأبهی آناء اللیل و النهار اسئل الله ان یشمل زائرک بنظرة العنایة فی کلّ الاحیان و علیک البهاء الأبهی. عبدالبهاء عبّاس».

و اما نسخه خطی تاریخ جناب بیضاء که ذکر آن در سطور فوق به میان آمد و حاوی نوشته جناب اشراق می باشد تعلق به جناب دکتر محمد منشادی داشته و به لطف آن جناب در اختیار حقیر قرار گرفته است. تاریخ مزبور در ۹۴۵ صفحه به رشته تحریر در آمده و چند صفحه سفید باقیمانده در آخر آن مورد استفاده جناب اشراق واقع شده است. نسخه خطی تاریخ جناب بیضاء فاقد تاریخ کتابت است و در هر صفحه آن ۱۲-۱۳ سطر به چشم می خورد.

حال که درباره جناب اشراق و نسخه خطی تاریخ جناب بیضاء توضیحاتی به اختصار به نظر خوانندگان گرامی رسید شرح شهادت جناب آقا محمد بلور فروش و چند ماده تاریخ را که جناب اشراق در انتهای تاریخ جناب بیضاء تحریر نموده اند با تزئید نقطه گذاری ذیلاً نقل می نماید و درباره بعضی از نکات و مطالب مندرج در متن ذیل، توضیحات لازمه را تحت عنوان "یادداشت ها" عرضه می دارد. متن نوشته جناب محمد طاهر اشراق یزدی به شرح ذیل است:

هو الحیّ الذی لایموت (۱)

به مصداق کریمه یا ایتهای النفس المطمئنة ارجعی الی ربّک راضیه مرضیه (۲)، حضرت بیضاء پس از نه سال تمام که این خدمت را انجام داد رو به عالم ملکوت نهاد (۳)، بال به عوالم بالا گشود و ماده تاریخ وفات و صعود آن مرحوم این بود:

تاریخ وفاتش را اشراق چنین بنمود

تا خلق یقین دانند "بیضاء ملکوتی بود" (۱۳۳۱) (۴)

ای جای تو خالی، ای جای تو خالی، ای جای تو خالی، تا قضیه شهادت شهید سعید آقا محمد بلور فروش را که در روز چهارشنبه دهم شهر رجب ۱۳۳۵ مطابق ۱۲ عید رضوان (۵) واقع

گردید، حقّ واقعه را نگاری و ودیعه گذاری که به غمّازی بعضی از بزازان و جواد پسر حاجی محسن قنّاد آن نوگل بوستان محبّت و وداد را به امداد جمعی از طلاب و گروهی درنده‌تر از کلاب و ذئاب آن جسد بهتر از ورد را از حسد پاره پاره نموده، برگهایش را به باد دادند، اف لهم و بما اکتسبت ایدیهم (۶). اوّل به مدرسه‌اش کشانیدند و نزد آقا سید یحیی مجتهدش (۷) نشانیدند که باید لعن نماید بر منکرین دین اسلام و دشمنان محمّد و آل محمّد. لعن نمود قناعت ننمودند، هم می‌بریدند و هم می‌دوختند و هم به مدرّس و مجتهد مسئله می‌آموختند که باید به فلان نحو لعن نماید و چون به آن نحو لعن نمود دست ستم گشودند. او دست به دامان آقا سید یحیی شد، ایشان هم بی‌اعتنائی نموده از مدرّس بیرونش کشیده از طبقه فوقانی که تقریباً چهار ذرع است به زیرش انداختند و این اوّل حدّ شرعی بود که مجری ساختند. دست و کتف آن مظلوم شکسته، مرتکب این انداختن شیخ غلامرضا نام پسر حاجی میرزا باقر و آقا مهدی نام ولد حاجی میرزا آقای آقا محمّد جعفر بودند و به مصداق لیوحون الی اولیائهم (۸) دیگر به غمّازی طلبه و بزاز جماعتی بازاری هم به یاری آنها رسیدند و کلّ یتقرّب الی الله فی دمه مشغول زدن به زنجیر و غیره گردیدند. آن مظلوم خود را نباخته و از مدرسه بیرون انداخت. بالاخره تا پای پنجه علی (۹) رسیده عطش بر او غالب گردیده آب طلبیده، ندادند. محمّد زرگر و مشدی میرزا نام و زرگر شل پسر حاجی حسن ابن حاجی اسمعیل خبّاز، و آن مشدی میرزا دلاکی بی‌باک و ناپاک بود، تبرکنده شکن را از دست شخص کُنده شکنی گرفته و پیش رفته بر سر آن مظلوم نواخته جسم شریفش را به خاک انداخته ریسمان برپایش بستند و تا روی میدان خانش (۱۰) کشیدند.

طفل صغیری داشته در مدرسه مصلاّی صفدرخان در مکتب مضطرتمام بوده، واقعه را شنیده از مکتب حرکت کرده و تا روی میدان دویده و به آن حال پدر را دیده خود را روی پدر انداخته فریادکنان که ای پدر چه کرده بودی که این گونه پاره پاره‌ات نموده‌اند؟ ظالمین قصد طفل هم نموده، زنی او را زیر چادر گرفته و از میان معرکه بیرون رفته. بعد حسن نعل‌بند ژاندارم بیلی را از برزگری گرفته و نزدیک رفته سر تبر خورده آن شهید سعید را چنان کوبیده که از سر اثری باقی نمانده. پس از رسیدن خبر به ایالت بلد (۱۱) که امیر معزّز است، خواسته است جدّاً اقدامی فرماید، بعضی مانع شده و عاقبت آقای صدرالعلماء (۱۲) و ملک التّجار (۱۳)، از دارالحکومه سوار و به بازار آمده کار از کار گذشته بود. از اداره نظمیّه اشخاصی برای گرفتن جسد از دست اهل طغیان و حسد به میدان آمده، نایب زین‌العابدین و نایب حسن شخصاً مباشر حرکت دادن نعش

شهید شده، آن جسد مبارک را روی دری و بر سر دوش چند نفری گذارده و به مزار برده و از آنجا گذرانیده گودالی را دیده به خاک سپرده‌اند. تاریخ شهادتش بود آخر عید - "برگو که محمد است صدیق و شهید". (۱۳۳۵) (۱۴)

و ماده تاریخ آن مظلوم به قلوب هجومی داد.
و نیز اشراق می‌نگارد:

پای طلاب میان آمد و تاریخش را گفت اشراق: "تبر بر سر صدیق زدند" (۱۳۳۳) (۱۵)

باری این فانی دانی با نهایت پریشانی چون این چند ورق را ننوشته یافت به ذکر تاریخ و ماده تاریخی که در شهادت شهداء یا صعود صعدا ادا شده بود شتافت و چند ماده تاریخ دیگر هم عرض شده اگر موفق گردم مرقوم خواهم داشت، به امید آن که پس از این چند سطر هم دوستان به آنچه در ماده تاریخ خودم عرض نموده‌ام فانی را یاد و روحم را شاد فرمایند. اشراق و نیز ماده تاریخ شهید سعید آقا میرزا علی اکبر است که در قطعه‌ای عرض شده و اصل ماده این است:

جسم علی اکبر تجدید کربلا کرد (۱۳۳۷). (۱۶)

یادداشت‌ها

۱- عبارت "هو الحیّ الذی لایموت" مأخوذ از آیه ۵۸ سوره فرقان (۲۵) است که می‌فرماید: «و توکل علی الحیّ الذی لایموت و سبح بحمده و کفی به بذنوب عباده خبیراً».

۲- عبارت "یا ایها النفس المطمئنة..." از آیات شماره ۲۷-۲۸ در سوره فجر (۸۹) در قرآن مجید است.

۳- مقصود از "حضرت بیضاء"، آقا سید ابوالقاسم بیضاء است که شرح احوال ایشان در کتاب تذکره شعرای قرن اول بهائی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۶ بدیع، ج ۳، ص ۱۷-۲۳) به تفصیل آمده است.

ایشان همان طور که در متن مقاله نیز اشاره شد مؤلف تاریخ ضوضاء و شرح شهادت شهدای یزد در سنه ۱۳۲۱ هـ ق (۱۹۰۳ م) هستند و تاریخ خود را در رجب سال ۱۳۲۳ هـ ق (سپتامبر ۱۹۰۵ م) به اتمام رسانده‌اند.

مقصود از "نُه سال" اشاره به فاصله تاریخ اتمام کتاب تاریخ جناب بیضاء تا تاریخ صعود ایشان است که در سال ۱۳۳۱ هـ ق (۱۹۱۳ م) در یزد اتفاق افتاد.

شرحی جامع درباره حیات و آثار و اشعار جناب بیضاء و منتخباتی از تاریخ ایشان در کتاب یادنامه بیضاء نوراء (لانگنهاین: لجنه ملی نشر آثار، ۲۰۱۱ م) به طبع رسیده و صفحات اول و آخر کتاب تاریخ جناب بیضاء در صفحات ۸۹-۹۰ منبع فوق عیناً گراور شده است.

۴- مصرع "بیضاء ملکوتی بود" از نظر ابجدی (بدون احتساب همزه) برابر رقم ۱۳۳۱ است که سال صعود جناب بیضاء بوده است.

۵- دهم شهر رجب سنه ۱۳۳۵ هـ ق مطابق با ۲ می ۱۹۱۷ م و دوازدهم عید رضوان سنه ۷۴ بدیع بوده است.

۶- عبارت "اف لهم..." مأخوذ از آثار مبارکه بهائی است. از جمله جمال قدم در جواهر الاسرار (آثار قلم اعلی، دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۲۰۰۲ م، ج ۲، ص ۲۴۱) می‌فرمایند: «... اف لهم وبما اکتسبت ایدیهم و عن کل ما هم کانوا ان یعملون...».

و در لوحی دیگر چنین نازل: «... اف لهم و لشعورهم وبما اکتسبت ایدیهم نعوذ بالله من شر هولاء الغافلین الماکرین الناعقین...» (آثار قلم اعلی، طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۳۲ بدیع، ج ۶، ص ۲۴۰).

۷- آقا سید یحیی مجتهد پسر عموی جناب آقا سید ابوالقاسم بیضاء بوده و باعث قتل عده‌ای از احباب یزد گردیده است. شمه‌ای از مظالم سید یحیی مجتهد در کتاب یادنامه بیضاء نوراء مذکور است.

۸- عبارت "لیوحون الی..." فقره‌ای از آیه شماره ۱۲۱ در سوره انعام (۶) در قرآن مجید است.

۹- پنجه علی نام بازار مرکزی شهر یزد است.

۱۰- میدان خان از میدان‌های اصلی شهر یزد است.

۱۱- مقصود از "ایالت بلد" حاکم بلد یعنی جلال الدوله، سلطان حسین میرزا است.

۱۲- مقصود از "صدرالعلماء"، میرزا علی رضا صدرالعلماء ابن آقا میرزا محمد صدر است.

۱۳- مقصود از "ملک التجار" به ظنّ قوی حاجی ابوالقاسم ملک التجار است که از رجال سرشناس یزد بوده است.

۱۴- مصرع "برگو که محمد است صدیق و شهید" از نظر ابجدی برابر با رقم ۱۳۳۵ است که سال شهادت جناب آقا محمد بلور فروش می باشد.

۱۵- در این بیت با احتساب ارزش عددی حرف "ب" در کلمات "پای طلاب"، یعنی رقم ۲ و تزیید آن به ارزش عددی عبارت "تبر بر سر صدیق زدند" که رقم ۱۳۳۳ می باشد رقم ۱۳۳۵ به دست می آید که سال شهادت جناب بلور فروش است.

۱۶- در پایان عبارت "جسم علی اکبر تجدید کربلا کرد"، هر چند رقم "۱۳۳۷" به چشم می خورد اما ارزش عددی این عبارت از نظر حروف ابجدی برابر با رقم "۱۳۳۴" است که مصادف با سنّه شهادت جناب میرزا علی اکبر برار و اعضای عائله ایشان در اراک می باشد. شرح شهادت این عائله در صفحات ۳۴۱-۳۴۸ کتاب محاضرات (لانگنهاین: لجنه ملّی نشر آثار، ۲۰۰۹م)، جلد سوم اثر جناب عبدالحمید اشراق خاوری به طبع رسیده است.